

## رابطه ساختاری هوش هیجانی و تمایز یافتگی خود با ثبات ازدواج:

### نقش میانجیگری صمیمیت<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱/۳۰

امیر حسین شاهنوش فروشانی<sup>۲</sup>

پانته آ جهاتگیر<sup>۳</sup>

احمد باصری<sup>۴</sup>

### چکیده

بر پایه نظام‌های خانواده بوئن، میزان تمایز یافتگی خود، عاملی مهم در تعیین کیفیت روابط زناشویی و ثبات آن است. شناخت و مدیریت هیجان‌های خود و همسر، نقشی اساسی در این ثبات ایفا می‌کند و صمیمیت نیز به‌ویژه در ثبات بخشیدن به ازدواج، نقشی مهم دارد. هدف از این پژوهش، تعیین رابطه دو متغیر هوش هیجانی و تمایز یافتگی خود با پایداری ازدواج از طریق میانجیگری صمیمیت است. این پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی است و جامعه آماری آن، افراد متأهل و زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره منطقه‌های دو و پنج تهران را شامل می‌شود. با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، ۳۴۵ نفر مرد و زن در سال ۱۳۹۹ برای شرکت کردن در پژوهش انتخاب شدند و افراد مورد نظر، پرسشنامه‌های شاخص بی‌ثباتی ازدواج بوئن، جانسون و ادواردز (1983)، هوش هیجانی گریوز و برادبری (2005)، تمایز یافتگی خود اسکورن و فریدلندر (2003)، و مقیاس صمیمیت واکر و تامپسون (1983) را تکمیل کردند. در تجزیه و تحلیل آماری از ضریب همبستگی پیرسون و برای برازش مدل از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) و تحلیل مسیر استفاده شد. یافته‌ها نشان می‌دهند میان ضریب مسیر کل هوش هیجانی با ثبات ازدواج ( $\beta=0/609, p<0/01$ ) و تمایز یافتگی خود با ثبات ازدواج ( $\beta=0/226, p<0/05$ ) و صمیمیت با ثبات ازدواج ( $\beta=0/451, p<0/01$ )، رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. در نهایت، ضریب مسیر غیرمستقیم هوش هیجانی و ثبات ازدواج ( $\beta=0/288, p<0/01$ ) و ضریب مسیر غیرمستقیم تمایز یافتگی خود و ثبات ازدواج ( $\beta=0/082, p<0/05$ )، مثبت و معنادار بود و بنابراین، نقش واسطه‌ای صمیمیت بین تمایز یافتگی خود و هوش هیجانی با ثبات ازدواج تأیید می‌شود. تمایز یافتگی خود، هوش هیجانی و صمیمیت در مجموع، ۴۹ درصد از واریانس ثبات ازدواج را تبیین می‌کنند و در این حوزه، برگزاردن کارگاه‌های آموزشی برای شناخت و ارتقای هوش هیجانی، تمایز یافتگی، صمیمیت و مؤلفه‌های آن جهت ثبات ازدواج توصیه می‌شود.

**واژگان کلیدی:** ثبات ازدواج، تمایز یافتگی خود، صمیمیت، هوش هیجانی.

۱. این مقاله، برگرفته از رساله دکتری با عنوان طراحی مدل ثبات ازدواج بر اساس ویژگی‌های شخصیتی، هوش هیجانی و تمایز یافتگی با میانجیگری صمیمیت در مراجعه‌کنندگان به مراکز مشاوره خانواده منطقه ۲ و ۵ شهر تهران، دانشگاه رودهن، گروه مشاوره است.

۲. دانشجوی دکتری مشاوره، گروه مشاوره، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

a.shahnoosh42@gmail.com

۳. استادیار گروه مشاوره، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران (نویسنده مسئول).

jahangirpantea@gmail.com

ahmadbas@gmail.com

۴. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ایران.

### بیان مسئله

یکی از مظاهر زندگی اجتماعی انسان‌ها تعامل سالم و سازنده میان آن‌ها، عشق‌ورزیدن آنان به همنوعانشان، و صمیمیت و همدلی با یکدیگر است. رکن اصلی خانواده به‌عنوان زیربنای جامعه، ازدواج است که یکی از مهم‌ترین رویدادهای زندگی انسان به‌شمار می‌آید. ازدواج از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین رابطه‌های انسانی است؛ چون زیرساخت لازم برای ایجاد روابط خانوادگی و تربیت نسل آینده را فراهم می‌آورد (چرستانی، ۱۴۰۰). مفهوم بی‌ثباتی ازدواج به گرایش زوجین به طلاق اشاره می‌کند که این موضوع، خود شامل دو حالت است: نخست، حالت شناختی، یعنی فکرکردن زن و شوهر درباره این موضوع که آیا ازدواجشان در وضعیت دشواری قرار دارد یا اندیشیدن به وقوع طلاق؛ دوم، حالت رفتاری، یعنی عملی که فرد در نتیجه احساس خویش یا گفت‌وگو با همسرش درباره طلاق انجام می‌دهد. در واقع، بی‌ثباتی ازدواج، زمانی مطرح می‌شود که یکی از زوجین یا هر دوی آنان درباره جدایی بیندیشند یا اعمالی انجام دهند که متمایل به پایان‌دادن ازدواج است (Booth, Johnson and Edwards, 1983; Brown, Sanchez, Nock and Wright, 2006). بی‌تردید، تمام زوجین، خواهان ثبات و تداوم ازدواج خود هستند و هیچ‌کس دوست ندارد زندگی مشترکش به طلاق بینجامد. ثبات ازدواج که کیفیت ازدواج و تعهد به آن را دربر می‌گیرد، درمقابل ازهم‌پاشیدگی واقعی و موازی اندازه‌گیری می‌شود که در آن، هرکدام از زوجین ممکن است رابطه را پایان دهند. در واقع، ثبات ازدواج، یک ویژگی زوجی محسوب می‌شود و رضایتمندی، ویژگی‌ای فردی است که به شیوه ارزیابی افراد درخصوص ازدواجشان اشاره می‌کند؛ به عبارت دیگر، ثبات ازدواج، مواردی را دربر می‌گیرد که بیشتر از ایجاد شادی، سبب شکل‌گیری قدرت و دوام رابطه می‌شوند. ثبات زناشویی در مفهوم سنتی آن به ایجاد تعادل بین منافع و ارزش‌های شخصی اشاره می‌کند که به شکل‌گیری و حفظ رفتارهای پایدارتر در هریک از افراد متأهل و نیز در تعامل آنان با یکدیگر می‌انجامد (Graff, Siersma, Møller, Egerod and Rytter, 2020; Van den Broek, Bus and Rijnen, 2021).

هاسبراک و فر<sup>۱</sup> (2002) در پژوهش خود دریافتند صمیمیت، نقشی مهم در تداوم روابط دارد و گذراندن وقت با هم، گوش دادن به سخنان یکدیگر، انعطاف‌پذیری، صداقت داشتن و اعتماد کردن به همدیگر را شامل می‌شود (Nurhayati, Faturochman and Fadilla-Helmi, 2019). صمیمیت، فرایندی رشدکننده در رابطه است که از دوران قبل از ازدواج آغاز می‌شود و بعد از ازدواج ادامه می‌یابد. در رابطه توأم با صمیمیت، مراقبت، اعتماد متقابل و پذیرش وجود دارد (محمودپور، دهقان‌پور، یوسفی و ایجادی، ۱۳۹۹). صمیمیت زوجین در پایداری بخشیدن به پیوند زناشویی آن‌ها نقشی مهم دارد و بخشی قابل توجه از پراکنش تعهد زناشویی را تبیین می‌کند (Kato, 2016) به نقل از صدقی، غفاری و کاظمی، ۱۴۰۰). گونزاروسکی، نیشان، اوستروسکی و رزنام<sup>۲</sup> (2019) معتقدند صمیمیت، مقوله‌ای بسیار بارز و مهم در ازدواج است و موجب ثبات و استحکام روابط زوجین می‌شود. نتایج پژوهش مقیمی، مرادی، سیدالشهدایی و احمدیان (۱۳۹۹) نشان می‌دهد بخشش و تمایز یافتگی بر کیفیت روابط زناشویی به صورت مستقیم یا با میانجیگری صمیمیت اثر می‌گذارد؛ همچنین براساس یافته‌های برخی پژوهش‌های دیگر، صمیمیت زیاد در روابط همسران، یکی از اساسی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های بهزیستی روان‌شناختی، سلامت جسمانی و رضایت از زندگی مشترک است و دستیابی به صمیمیت، مسئله‌ای ضروری در روابط زوجین به‌شمار می‌آید (سالمی، ابویی و سعیدمنش، ۱۴۰۰). موسوی (۱۳۹۷) نیز در پژوهش خود نشان داده است تعهد شخصی بدون اجبار و محدودیت‌های محیطی، و ناشی از تمایل زوجین به وفادار ماندن به رابطه زوجی، نقشی تعیین‌کننده در انسجام بخشیدن به زناشویی و افزایش دادن رضایت و توافق بر سر مسائل مشترک در روابط زوجین دارد.

تمایز یافتگی، مهم‌ترین مفهوم در نظریه سیستم‌های خانواده است و میزان توانایی فرد در تفکیک کردن فرایندهای عقلانی و احساسی از یکدیگر را نشان می‌دهد. از آنجا که تعاملات افراد در خانواده تاحدودی برپایه عقل و بیشتر براساس احساس شکل می‌گیرد، این مسئله

---

1. Hassebrauck and Fehr

2. Gonczarowski, Nisan, Ostrovsky and Rosenbaum

به‌میزانی بسیار زیاد به مدیریت و متعادل کردن تعاملات عاطفی و عقلی کمک می‌کند. تمایز یافتگی یعنی رسیدن به حدی از استقلال عاطفی که فرد بتواند در موقعیت‌های عاطفی و هیجانی، بدون غرق شدن در جو عاطفی آن موقعیت‌ها، به‌صورت خودمختار و عقلانی تصمیم‌گیری کند. افراد تمایز یافته، تعریفی مشخص درباره خود و عقایدشان دارند و می‌توانند مسیر و هدف خویش در زندگی را انتخاب کنند و در موقعیت‌های شدیداً عاطفی که سبب می‌شود بسیاری از افراد، رفتارهای غیرارادی مرتکب شوند و تصمیم‌هایی نافرجام بگیرند، آنان کنترل خود را از دست ندهند و با در نظر گرفتن عقل و منطق تصمیم‌گیری کنند. زوج‌های تمایز یافته، روابطی سالم با یکدیگر برقرار می‌کنند، احساسات و هیجانات خود را کنترل می‌کنند، هویت خویش را حفظ می‌کنند و فکر، احساس و عملکرد مستقل دارند (عزیزی، مکنونی، رامک، سنگانی و ابراهیمی، ۱۳۹۸).

نتایج مطالعات متعدد صورت گرفته در خصوص کشف ساختار «تمایز یافتگی خود» و حمایت کردن از این مقوله، مؤید نظریه بوئن و منطبق با آن است. یافته‌های پژوهش غنی‌پور اجرآباد (۱۴۰۱) نشان می‌دهد بین تمایز یافتگی خود با صمیمیت زناشویی به‌همراه نقش میانجی تعهد زناشویی زنان متأهل مراجعه‌کننده به خانه‌های سلامت شهر تهران، رابطه‌ای معنادار وجود دارد، تمایز یافتگی خود نیز با صمیمیت همبسته است و صمیمیت هم با تعهد زناشویی همبستگی دارد.

زندگی زناشویی، فضایی سرشار از عاطفه و هیجان است و خانواده، واحدی عاطفی به‌شمار می‌آید (Kamomoe, Ngari, Gichure, Ndung'u and Esiu, 2021). گاتمن<sup>۱</sup> (به نقل از نیکنام و تاج، ۱۳۹۸) معتقد است چنانچه زوجین، مانع از تأثیر هیجانات و افکار منفی بر هیجانات و افکار مثبت خود شوند، به ثبات و رضایتمندی دست خواهند یافت. اگر تبادل احساسات از نوع مثبت باشد (مانند کارایی، امید، خوش‌بینی و تاب‌آوری)، موجب موفقیت در ازدواج و زندگی زناشویی می‌شود (Carmona-Halty, Salanova, Lorens and Schaufeli, 2019). زوجین با استفاده از مهارت‌های هوش هیجانی، قادر خواهند بود بر عوامل استرس‌زا در زندگی زناشویی

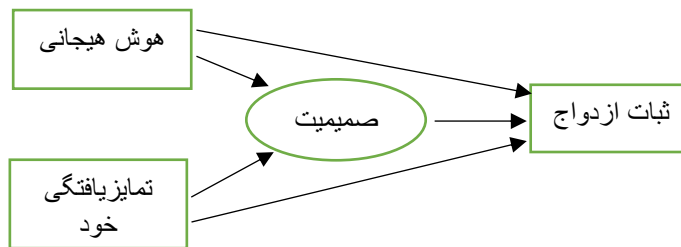
خود غلبه کنند (Heidari, Shahbazi, Ghafourifard and Ali Sheikhi, 2017). ازدواج توأم با رضایت، فضایی مناسب را برای تبادل عواطف مثبت فراهم می‌کند؛ از این روی، پژوهشگرانی مانند کلارک، فیتنس و بریست<sup>۱</sup> (2001) معتقدند سازه هوش هیجانی<sup>۲</sup> به زندگی زناشویی غنا می‌بخشد و موجبات ثبات ازدواج را فراهم می‌کند. در یک ازدواج سالم، هر دو طرف آزادند که احساسات و عواطف خود را بیان کنند؛ اما اگر یکی از زوجین، هوش هیجانی ضعیفی داشته باشد، احساسات ناسازگارانه خویش را از طریق رفتارهای غیرمفید ابراز خواهد کرد (Wollny, Jacobs and Pabel, 2020). هوش هیجانی، بروز تعارض در زندگی مشترک را تعدیل می‌کند (Serrat, 2017) و سازگاری زناشویی را تحقق می‌بخشد (Kalsoom and Kamal, 2018)؛ بنابراین، آموزش‌دهی و پروراندن هوش هیجانی و به‌ویژه مؤلفه‌های خودآگاهی، خودتنظیمی و مهارت‌های بین‌فردی در ارتقاداتن کیفیت زندگی زناشویی، مفید است (Hajihassani and Sim, 2019) و در نتیجه به سازگاری موفق‌تر با محیط می‌انجامد، نیازها و فشارها را مدیریت می‌کند و سلامت روانی را افزایش می‌دهد (Guerra-Bustamante, León-del-Barco, Yuste- (Tosina, López-Ramos and Mendo-Lázaro, 2019).

در پی جمع‌بندی مبانی نظری و پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه می‌توان گفت در این تحقیق‌ها بیشتر، رضایتمندی زناشویی موردنظر بوده و در بحث از ثبات ازدواج به نقش میانجیگری صمیمیت چندان توجهی نشده است. مسائلی مانند برداشت‌های منفی زوجین، معیارهای انعطاف‌ناپذیر، تعصب‌های شخصی، درک‌نکردن صحبت‌های یکدیگر، نبود صمیمیت، تمایزنا یافتگی و برخوردار نبودن از هوش هیجانی در اغلب ازدواج‌ها موجب نارضایتی زوجین از یکدیگر می‌شود و بر جنبه‌های مثبت ازدواج غلبه می‌یابد. از آنجا که امروزه، بسیاری از ازدواج‌ها به طلاق می‌انجامند یا دست‌کم، از ثبات و اطمینان مناسبی برخوردار نیستند، بررسی تأثیر این متغیرها بر سازگاری و ثبات زندگی زناشویی ضرورتی انکارناپذیر دارد و بنابراین، هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی تأثیر هوش هیجانی و

---

1. Clark, Fitness and Brissette  
2. Emotional Intelligence

تمایز یافتگی بر ثبات زناشویی به صورت مستقیم و نیز تأثیر این دو متغیر با میانجیگری متغیر صمیمیت به صورت غیرمستقیم در قالب مدل معادلات ساختاری است.



شکل ۱. الگوی مفهومی پیش‌بینی ثبات ازدواج بر اساس هوش هیجانی و تمایز یافتگی خود با میانجیگری صمیمیت

### روش پژوهش

این پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی است و جامعه آماری آن، افراد متأهل و زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره واقع در منطقه‌های دو و پنج شهر تهران در سال ۱۳۹۹ را شامل می‌شود. در این دو منطقه، دو مرکز مشاوره دانشگاهی و خوابگاهی به صورت در دسترس انتخاب شدند و فرایند گردآوری اطلاعات از طریق پرسشنامه انجام شد. با وجود آنکه برسر حجم نمونه لازم برای مدل ساختاری، توافق کلی وجود ندارد، به‌زعم بسیاری از پژوهشگران، حداقل نمونه لازم نباید کمتر از دویست نفر باشد. به‌طور کلی، در روش‌شناسی مدل‌یابی معادلات ساختاری، حجم نمونه را می‌توان بین پنج تا پانزده مشاهده به‌ازای هر متغیر تعیین کرد (حبیبی و عدن‌ور، ۱۳۹۶؛ هومن، ۱۳۸۴). در پژوهش حاضر، به‌ازای هر متغیر و مؤلفه، چهل نمونه را در نظر گرفتیم تا مدل‌گیری، برازشی مناسب داشته باشد؛ البته نمونه دست‌یافته بدون در نظر گرفتن موارد ناقص و فاقد اعتبار بود که از این تعداد، ۵۵ پرسشنامه کاهش یافت و حجم نمونه به ۳۴۵ نفر رسید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون، مدل معادلات ساختاری<sup>۱</sup>، تحلیل مسیر در محیط نرم‌افزار آماری AMOS (نسخه

1. Structural Equation Model (SEM)

(۲۴) و رویکرد بیشینه احتمال<sup>۱</sup> استفاده شد.

### ابزار پژوهش

برای انجام دادن تحقیق از این ابزارها استفاده کرده‌ایم:

الف) شاخص بی‌ثباتی ازدواج<sup>۲</sup>: این پرسشنامه به‌همت بوث، جانسون و ادواردز<sup>۳</sup> (1983) ساخته شده و شامل دو بخش است. پرسشنامه مورد بحث را می‌توان با استفاده از دستور نمره‌گذاری آن به‌سهولت روی خود ابزار نمره داد. در قسمت اول (سؤال‌های یک تا چهارده)، تعداد پاسخ‌های «مستعد طلاق بودن» جمع می‌شود. نمره‌گذاری گویه‌ها به‌صورت صفر و یک صورت می‌گیرد و پایین صفحه ثبت می‌شود که در آنجا رقم هم‌تراز بی‌ثباتی ازدواج نیز آمده است. نمره‌های به‌دست آمده به این صورت، میزان طلاق را پیش‌بینی می‌کنند.

#### جدول ۱. قسمت اول از نمره‌گذاری شاخص بی‌ثباتی ازدواج

نمره کل آزمودنی	میزان پیش‌بینی طلاق
۲ و کمتر	نمره ۲۲ (۲۲ درصد)
۳-۴	نمره ۲۶ (۲۶ درصد)
۵-۶	نمره ۳۱ (۳۱ درصد)
۷-۹	نمره ۳۸ (۳۸ درصد)
۱۰ و بیشتر	نمره ۴۳ (۴۳ درصد)

در قسمت دوم، سؤال‌های یک تا هشت پرسیده و نمره آن، به نمره «احتمال طلاق» اضافه یا از آن کم می‌شود.

#### جدول ۲. قسمت دوم از نمره‌گذاری شاخص بی‌ثباتی ازدواج

سؤال	نمره / پاسخ	محاسبه نمره جدید
۱-۴	۱۳-۱۶	دوازده نمره از نمره احتمال طلاق کم می‌شود.
	۹-۱۲	ده نمره از نمره احتمال طلاق کم می‌شود.
ج (ابتدا ازدواج نکردن)		یازده نمره به احتمال طلاق اضافه می‌شود.

1. Maximum Likelihood (ML)
2. Marital Instability Index
3. Booth, Johnson and Edwards

سؤال	نمره / پاسخ	محاسبه نمره جدید
۵	الف (با همین شخص ازدواج کردن) یا ب (با شخص دیگری ازدواج کردن)	نمره‌ای تعلق نمی‌گیرد.
۶	مالک خانه یا حین خرید خانه	شش نمره از نمره احتمال طلاق کم می‌شود.
۷	اعتقاد به مذهب تاحدودی یا نسبتاً زیاد	چهار نمره از نمره احتمال طلاق کم می‌شود.
۸	مدت ازدواج، کمتر از پنج سال	سه نمره به احتمال طلاق اضافه می‌شود.

بنابراین، نمره بالا در این مقیاس یعنی احتمال وقوع طلاق در زندگی زوجها زیاد است و نمره پایین یعنی احتمال وقوع طلاق در زندگی زوجها کم است (ثنایی، علاقه‌بند، فلاحتی و هومن، ۱۳۹۶). روایی پرسشنامه در تحقیق‌های زیادی تأیید شده و با مقیاس‌های مربوط به اختلاف‌های زندگی زناشویی، دارای همبستگی مثبت بوده و با مقیاس‌های رضایت زناشویی همبستگی منفی داشته است (ریحانی، سلیمانیان و نظیفی، ۱۳۹۵). درخصوص روایی افتراقی آزمون، سازندگان این ابزار در سال ۱۹۸۳ نتیجه گرفتند تنها سه درصد از زوجین به ازدواج خود پایان دائمی داده بودند؛ درحالی که ۲۷ درصد از ازدواج‌های اشخاصی که در این ابزار، نمره‌های بالا گرفته بودند، ازهم پاشیده شد (جعفری، ۱۳۸۷). پایایی مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، به میزان ۰/۹۳ درصد گزارش شده است. در ایران نیز یاری‌پور (۱۳۷۹) به نقل از ثنایی، علاقه‌بند، فلاحتی و هومن، (۱۳۹۶) با استفاده از روش دونیمه‌سازی، ضریب اعتبار ۰/۷۰ را به‌دست آورده است. در پژوهش حاضر، گویه‌های این مقیاس به‌صورت معکوس نمره‌گذاری شده‌اند و ضریب پایایی از طریق آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه به میزان ۰/۸۳ به‌دست آمده است.

ب) پرسشنامه هوش هیجانی بردبری و گریوز: این آزمون در سال ۲۰۰۵ طراحی و در ایران به‌همت گنجی اعتباریابی شد. پرسشنامه موردب‌بحث، شامل ۲۸ ماده است که براساس مقیاس شش‌درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری می‌شوند. نمره‌گذاری آزمون با استفاده از طیف لیکرت از «هرگز» (نمره یک) تا «همیشه» (نمره شش) انجام می‌شود. جمع نمراتی که آزمودنی در



هریک از سؤال‌ها کسب می‌کند، نمره کل آزمون وی را تشکیل می‌دهد. در این آزمون، چهار مؤلفه خودآگاهی، خودمدیریتی، آگاهی اجتماعی و مدیریت رابطه ارزیابی می‌شوند و یک نمره کلی هوش هیجانی هم تعیین می‌شود. نمره بالاتر از هشتاد، نشان‌دهنده هوش هیجانی زیاد و نمره پایین‌تر از شصت، نشان‌دهنده هوش هیجانی کم است.

هرکدام از مؤلفه‌های پرسشنامه، از ماده‌های زیر تشکیل شده‌اند:

- مؤلفه خودآگاهی ۱: سؤال‌های ۱ تا ۶؛
- مؤلفه خودمدیریتی ۲: سؤال‌های ۷ تا ۱۵؛
- مؤلفه آگاهی اجتماعی ۳: سؤال‌های ۱۶ تا ۲۰؛
- مؤلفه مدیریت رابطه ۴: سؤال‌های ۲۱ تا ۲۸.

برای تعیین روایی، این آزمون همراه با آزمون هوش هیجانی بار-ان در یک گروه ۹۷ نفری اجرا شد که در آن، ضریب همبستگی در سطح ۰/۹۹ معنادار بود. ضریب‌های پایایی مؤلفه‌های هوش هیجانی به ترتیب، ۰/۷۳، ۰/۷۸، ۰/۷۶ و ۰/۷۶ بود. علاوه بر این آزمون، یک آزمون در گروه ۲۸۴ نفری دیگر (شامل ۱۱۵ پسر و ۱۳۹ دختر) یک بار اجرا شد و ضریب پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ به میزان ۰/۸۸ به دست آمد (گنجی، میرهاشمی و ثابت، ۱۳۸۵). در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی از طریق آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های خودآگاهی، خودمدیریتی، آگاهی اجتماعی و مدیریت رابطه به ترتیب به میزان ۰/۶۳، ۰/۶۷، ۰/۵۸ و ۰/۷۹ به دست آمد.

ج) مقیاس صمیمیت: این پرسشنامه هفده ماده‌ای به‌همت واکر و تامپسون<sup>۱</sup> برای سنجش مهر و صمیمیت تدوین شده و این مقیاس، جزئی از یک ابزار بزرگ‌تر است که چندین بُعد صمیمیت را دربر می‌گیرد؛ اما تهیه‌کنندگان آن را به صورت مقیاسی مستقل گزارش داده‌اند. نمره‌گذاری مقیاس مذکور روی یک مقیاس لیکرتی هفت‌درجه‌ای، از یک (هرگز) تا هفت (همیشه) صورت می‌گیرد. نمره آزمودنی در مقیاس صمیمیت از جمع نمرات سؤال‌ها به دست می‌آید و هر قدر نمره فرد در این مقیاس، بیشتر باشد، نشان‌دهنده آن است که وی صمیمیت

---

1. Walker and Thompson

بیشتری را تجربه می‌کند. این مقیاس را ثنایی (۱۳۷۹) به نقل از دغاغله، عسگری و حیدری، (۱۳۹۱) ترجمه کرده و ضریب پایایی این پرسشنامه براساس داده‌های مربوط به صد زوج در اصفهان، به میزان ۰/۹۶ به دست آمده است. نعیم (۱۳۸۷) نیز برای تعیین پایایی پرسشنامه صمیمیت از دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف استفاده کرده و در هر دو روش، عدد ۰/۹۶ را به دست آورده که حاکی از پایایی بسیار خوب آن است. اعتمادی، نوابی‌نژاد، احمدی و فرزاد (۱۳۸۵) در پژوهش خود، پایایی کل مقیاس را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، به میزان ۰/۹۶ گزارش داده‌اند و روایی هم‌گرای آزمون از طریق اجرای هم‌زمان با پرسشنامه صمیمیت باگاروزی به میزان ۰/۸۲ به دست آمده است (منصوری، باقری، درتاج و ابوالمعالی، ۱۳۹۹). در پژوهش حاضر، ضریب پایایی از طریق آلفای کرونباخ به میزان ۰/۹۱ به دست آمده است.

د) پرسشنامه تمایزیافتگی خود: فرم اولیه این پرسشنامه در سال ۱۹۹۸ به همت اسکورن و فریدلندر ساخته شد و در سال ۲۰۰۳، اسکورن و اشمیت<sup>۱</sup> در آن تجدیدنظر کردند. سرانجام، پرسشنامه نهایی را جکسون در قالب ۴۶ ماده بر مبنای نظریه بوئن تدوین کرد (Skowron and Schmitt, 2003). این پرسشنامه دارای چهار خرده‌مقیاس پاسخ‌دهی هیجانی، جایگاه «من»، گریز عاطفی و هم‌آمیختگی با دیگران است. زیرمقیاس پاسخ‌دهی هیجانی، بیانگر تمایل به پاسخ‌گویی به محرک‌های محیطی اساسی با پاسخ‌های هیجانی خودکار و طغیان‌های هیجانی است. زیرمقیاس موقعیت «من» یا جایگاه «من»، مواردی را شامل می‌شود که آشکارا منعکس‌کننده احساس یکپارچه خود و نیز بیانگر توانایی پیروی اندیشمندان از اعتقادات شخصی خویش با وجود اعمال فشار از سوی دیگران هستند. زیرمقیاس گریز عاطفی، مشتمل بر سؤال‌هایی است که نگرانی‌های مربوط به درگیری‌های عاطفی حل‌نشده با والدین و به‌کارگیری رفتارهای دفاعی در برابر این نگرانی‌ها را منعکس می‌کنند (احساس تهدید شدن به وسیله صمیمیت و قرنطینه‌کردن خود برای دوری از دیگران). زیرمقیاس هم‌آمیختگی با دیگران، درگیری عاطفی زیاد با افراد مهم، وابستگی زیاد به والدین، و پذیرفتن ارزش‌ها و باورها و انتظارات آن‌ها بدون مطرح کردن هرگونه سؤال درباره درستی یا نادرستی این اعتقادات

---

1. Schmitt

و باورها را منعکس می‌کند (Skowron, Stanley and Shapiro, 2009). پرسشنامه تمایز یافتگی خود به‌عنوان یک ابزار خودگزارش دهی با تمرکز بر افراد، روابط معنادارشان و روابطی که آنان در حال حاضر با خانواده اصلی دارند، ساخته شده و در آن، سؤال‌های مربوط به هر خرده‌مقیاس بدین شرح است:

- واکنش‌پذیری عاطفی: ۱، ۶، ۱۰، ۱۴، ۱۸، ۲۱، ۲۶، ۳۰، ۳۴، ۳۸ و ۴۰؛

- جایگاه «من»: ۴، ۷، ۱۱، ۱۵، ۱۹، ۲۳، ۲۷، ۳۱، ۳۵، ۴۱ و ۴۳؛

- گریز عاطفی: ۲، ۳، ۸، ۱۲، ۱۶، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۲، ۳۶، ۳۹ و ۴۲؛

- هم‌آمیختگی با دیگران: ۵، ۹، ۱۳، ۱۷، ۲۲، ۲۵، ۲۹، ۳۳، ۳۷، ۴۴ و ۴۵.

پرسشنامه تمایز یافتگی خود با مقیاس لیکرت در یک طیف شش‌گزینه‌ای از یک (ابتداً درباره من صحیح نیست) تا شش (کاملاً درباره من صحیح است) درجه‌بندی شده و در آن، به هر سؤال، نمره‌ای بین یک تا شش تعلق می‌گیرد. حداکثر نمره این پرسشنامه ۲۷۰ است. سؤال‌های ۴، ۷، ۱۱، ۱۵، ۱۹، ۲۳، ۲۷، ۳۱، ۳۵، ۴۱ و ۴۳ به‌صورت مثبت و دیگر سؤال‌ها به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. از طریق این معکوس کردن، نشانگرهای تمایز یافتگی همسو می‌شوند و می‌توان آن‌ها را به‌عنوان یک متغیر مکنون وارد مطالعه کرد.

نمره کمتر در این پرسشنامه، سطوح پایین‌تر تمایز یافتگی را نشان می‌دهد.

ضریب آلفای گزارش شده از سوی اسکورن و فریدلندر برای پرسشنامه تمایز یافتگی خود، ۰/۸۸ است. ضریب آلفای این پرسشنامه در پژوهش شکیبایی، ۰/۸۱ و در پژوهش خزاعی و رفیع، ۰/۹۰ (به نقل از ثنایی، علاقه‌بند، فلاحتی و هومن، ۱۳۹۶) به‌دست آمد که پایایی چشمگیر این پرسشنامه را نشان می‌دهد. در پژوهش یوسفی، اعتمادی، بهرامی، بشلیده و شیربگی (۱۳۸۹) درباره ۵۶۰ نفر از مراجعان به مرکز مشاوره‌ای در شهر اصفهان، ابتدا روایی سازه با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی «سیاهه تمایز یافتگی خود» بررسی و چهار مؤلفه تأیید شد و پایایی با استفاده از روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ روی کل نمونه برای مؤلفه -ها به ترتیب، شامل واکنش عاطفی به میزان ۰/۸۱، گسست عاطفی به میزان ۰/۸۹،

آمیختگی با دیگران به میزان ۰/۹۱ و جایگاه «من» به میزان ۰/۸۶ به دست آمد. یوسفی (۱۳۹۰) در پژوهش خود، ویژگی‌های روان‌سنجی «سیاهه تمایز یافتگی خود» را در خصوص نمونه‌ای شامل ۵۱۲ نفر از زنان و مردان متأهل شهرستان سنندج تعیین کرده و جهت بررسی روایی سازه با استفاده از روش روایی هم‌گرا و واگرا توسط «پرسشنامه عاطفه مثبت و منفی»، «پرسشنامه اعتماد به نفس» و «فهرست علائم بیماری‌های -۹۰- تجدیدنظر شده» (بعد اضطراب و حساسیت بین فردی)، به ترتیب، ارقام ۰/۳۸، ۰/۴۱، ۰/۳۹، ۰/۴۲ و ۰/۳۶ را به دست آورده است. پایایی با استفاده از روش همسانی درونی با محاسبه ضریب‌های آلفای کرونباخ و دونیمه کردن به ترتیب در کل نمونه به میزان ۰/۹۳ و ۰/۸۸، در زنان به میزان ۰/۸۵ و ۰/۸۷ و در مردان به میزان ۰/۸۶ و ۰/۸۲ به دست آمده است. در پژوهش حاضر، ضریب پایایی برای چهار مؤلفه مورد بحث در تمایز یافتگی به ترتیب به میزان ۰/۶۴، ۰/۶۹، ۰/۶۲ و ۰/۷۵ به دست آمده است.

#### یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، ۳۴۵ شرکت‌کننده (۲۰۱ مرد و ۱۴۴ زن) با میانگین و انحراف استاندارد سنی ۳۵/۹۲ و ۸/۷۶ حضور داشتند. میزان تحصیلات ۵۸ نفر (۱۶/۸ درصد) از شرکت‌کنندگان زیر دیپلم، ۱۰۶ نفر (۳۰/۷ درصد) دیپلم، ۲۱ نفر (۵/۱ درصد) فوق دیپلم، ۱۱۳ نفر (۳۲/۹ درصد) لیسانس و ۴۷ نفر (۱۳/۶ درصد) فوق لیسانس و بالاتر بود. میانگین و انحراف استاندارد سال‌های زندگی مشترک با همسر به ترتیب، ۱۰/۴۴ و ۹/۷۷ بوده است. در جدول ۳، یافته‌های توصیفی (همبستگی) مربوط به متغیرهای پژوهش را مشاهده می‌کنیم:

جدول ۳. یافته‌های توصیفی (همبستگی)

متغیرهای تحقیق	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱. هوش هیجانی - خودآگاهی	-									
۲. هوش هیجانی - خودمدیریتی	۰/۵۲**	-								
۳. هوش هیجانی - آگاهی اجتماعی	۰/۴۷**	۰/۴۲**	-							
۴. هوش هیجانی - مدیریت رابطه	۰/۶۱**	۰/۵۹**	۰/۳۹**	-						
۵. تمایز یافتگی خود- واکنش‌پذیری عاطفی	۰/۴۴**	۰/۳۸**	۰/۲۱**	۰/۲۸**	-					
۶. تمایز یافتگی خود- جایگاه من	۰/۳۶**	۰/۱۹**	۰/۲۴**	۰/۲۶**	۰/۶۱**	-				
۷. تمایز یافتگی خود- گریز عاطفی	۰/۲۹**	۰/۲۱**	۰/۱۷**	۰/۱۷**	۰/۵۳**	۰/۴۸**	-			
۸. تمایز یافتگی خود- هم‌آمیختگی	۰/۳۲**	۰/۱۷**	۰/۱۹**	۰/۲۴**	۰/۴۲**	۰/۳۷**	۰/۵۶**	-		
۹. صمیمیت	۰/۲۳**	۰/۰۸	۰/۳۱**	۰/۲۱**	۰/۱۷**	۰/۲۱**	۰/۳۶**	۰/۲۷**	-	
۱۰. ثبات ازدواج	۰/۳۴**	۰/۱۲**	۰/۲۳**	۰/۲۹**	۰/۳۲**	۰/۲۶**	۰/۲۲**	۰/۳۴**	۰/۴۲**	-
میانگین	۲۶/۱۴	۳۰/۱۰	۲۰/۹۷	۳۳/۰۲	۳۴/۸۵	۴۱/۷۴	۴۱/۷۶	۳۵/۸۸	۹۵/۶۶	۹/۳۱
انحراف استاندارد	۴/۴۵	۶/۴۱	۳/۸۴	۶/۸۲	۶/۲۰	۷/۹۶	۸/۵۶	۹/۶۷	۱۸/۳۶	۳/۴۸

۱۲۰ دوفصلنامه علمی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، دوره دهم، شماره نوزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

همان گونه که در این جدول می بینیم، از میان مؤلفه های هوش هیجانی، خودمدیریتی به صورت مثبت و در سطح معناداری ۰/۰۵ و دیگر مؤلفه های آن در سطح معناداری ۰/۰۱ با متغیر ثبات ازدواج همبستگی دارند؛ همچنین تمام مؤلفه های تمایز یافتگی خود و متغیر صمیمیت به صورت مثبت و در سطح معناداری ۰/۰۱ با ثبات ازدواج همبستگی دارند.<sup>۱</sup> در جدول ۴، مقادیر کشیدگی و چولگی همه متغیرها و مقادیر عامل تورم واریانس<sup>۲</sup> و ضریب تحمل متغیرهای پیش بین را مشاهده می کنیم.

**جدول ۴. کشیدگی، چولگی، عامل تورم واریانس و ضریب تحمل متغیرهای پژوهش**

متغیر	توزیع نرمال		همخطی بودن	
	چولگی	کشیدگی	تورم واریانس	ضریب تحمل
هوش هیجانی - خودآگاهی	۰/۰۲	۰/۲۶	۰/۵۳	۱/۸۹
هوش هیجانی - خودمدیریتی	-۰/۳۶	-۰/۵۶	۰/۴۵	۲/۲۳
هوش هیجانی - آگاهی اجتماعی	۰/۰۵	۰/۴۱	۰/۵۹	۱/۶۹
هوش هیجانی - مدیریت رابطه	۰/۵۲	-۰/۱۲	۰/۴۱	۲/۴۲
تمایز یافتگی خود - واکنش پذیری عاطفی	۰/۳۸	۰/۷۱	۰/۳۲	۳/۱۳
تمایز یافتگی خود - جایگاه «من»	۰/۶۳	۰/۰۹	۰/۴۱	۲/۴۲
تمایز یافتگی خود - گریز عاطفی	-۰/۷۸	-۰/۹۶	۰/۳۳	۳/۰۶
تمایز یافتگی خود - هم آمیختگی	۰/۲۸	-۰/۲۲	۰/۶۴	۱/۵۸
صمیمیت	-۰/۷۱	-۰/۸۶	۰/۳۱	۳/۲۷
ثبات ازدواج	-۰/۵۰	-۰/۴۳	-	-

همان گونه که در این جدول می بینیم، مقادیر چولگی و کشیدگی همه متغیرها در محدوده ۲ ± قرار دارد و بنابراین، شکل توزیع همه متغیرها نزدیک به نرمال است؛ همچنین مقادیر عامل تورم واریانس همه متغیرهای پیش بین، بزرگ تر از ۰/۱ و ضریب تحمل هریک از آنها کوچک تر از ۱۰ است و بدین ترتیب، مفروضه همخطی بودن نیز در میان داده های پژوهش حاضر برقرار

۱. چنان که گفتیم، در این پژوهش برای سنجش متغیر ثبات ازدواج از پرسشنامه بی ثباتی ازدواج بوث، جانسون و ادواردز استفاده کرده ایم. در این پرسشنامه، نمرات بالاتر، نشان دهنده بی ثباتی بیشتر و نمرات پایین، نشان دهنده ثبات کم ازدواج است؛ به همین دلیل، برای به دست آوردن نمرات متغیر ثبات ازدواج، گویه های پرسشنامه به صورت معکوس نمره گذاری شده اند و بنابراین، جهت همبستگی بین متغیرها در جدول ۱، منطقی و معقول است.

## 2. Variance Inflation Factor

خواهد بود. تحلیل اطلاعات مربوط به فاصله مهلبوبایس نشان می‌دهد اطلاعات مربوط به سه نفر از شرکت‌کنندگان، پرت چندمتغیری تشکیل داده است؛ بنابراین، اطلاعات آن سه نفر حذف می‌شود و بعد از این عمل، بررسی شکل توزیع داده‌های مربوط به فاصله مهلبوبایس<sup>۱</sup> نشان می‌دهد مفروضه نرمال بودن توزیع چندمتغیری نیز در میان داده‌های پژوهش حاضر برقرار است. در جدول ۵، شاخص‌های برازندگی مدل اندازه‌گیری اولیه، مدل اندازه‌گیری اصلاح‌شده و مدل ساختاری را مشاهده می‌کنیم:

جدول ۵. شاخص‌های برازش مدل ساختاری هوش هیجانی و تمایز یافتگی خود با

ثبات ازدواج با نقش میانجیگر صمیمیت

شاخص‌های برازندگی	مدل اندازه‌گیری اولیه	مدل اندازه‌گیری اصلاح‌شده	مدل ساختاری	نقطه برش <sup>۲</sup>
مجذور کای <sup>۳</sup>	۶۷/۴۵	۴۳/۷۴	۱۶۱/۱۲	-
درجه آزادی مدل	۱۹	۱۸	۶۰	-
$\chi^2/df$ <sup>۴</sup>	۳/۵۵	۲/۴۳	۲/۶۹	کمتر از ۳
GFI <sup>۵</sup>	۰/۹۵۶	۰/۹۷۱	۰/۹۴۳	۰/۹۰ >
AGFI <sup>۶</sup>	۰/۹۱۲	۰/۹۳۹	۰/۸۸۶	۰/۸۵۰ >
CFI <sup>۷</sup>	۰/۹۷۲	۰/۹۸۵	۰/۹۷۲	۰/۹۰ >
RMSEA <sup>۸</sup>	۰/۰۸۶	۰/۰۶۵	۰/۰۷۰	۰/۰۸ <

همان‌گونه که در جدول ۵ می‌بینیم، دو شاخص برازندگی  $\chi^2/df$  و RMSEA حاصل‌شده از تحلیل عاملی تأییدی، از برازش قابل قبول مدل اندازه‌گیری با داده‌های گردآوری‌شده حمایت نمی‌کنند ( $\chi^2/df=3/55$ ,  $CFI=0/972$ ,  $GFI=0/956$ ,  $AGFI=0/912$  و  $RMSEA=0/086$ ). به دلیل اهمیت فراوان دو شاخص مورد بحث و به‌ویژه شاخص برازندگی RMSEA، مدل اندازه‌گیری با ایجاد کوواریانس بین خطاهای دو نشانگر آگاهی اجتماعی و مدیریت رابطه هوش هیجانی اصلاح و در نهایت، شاخص‌های برازندگی حاصل شد که نشان

1. Mahalanobis Distance

۲. نقاط برش براساس دیدگاه کلاین (2023)

3. Chi-Square

4. Normed Chi-Square

5. Goodness Fit Index

6. Adjusted Goodness Fit Index

7. Comparative Fit Index

8. Root Mean Square Error of Approximation

می‌دهد مدل اندازه‌گیری با داده‌های گردآوری‌شده، برازش قابل قبول دارد ( $\chi^2/df=2/43$ )،  $CFI=0/985$ ،  $GFI=0/971$ ،  $AGFI=0/939$  و  $RMSEA=0/065$ . ارزیابی بارهای عاملی در مدل اندازه‌گیری نیز نشان می‌دهد بزرگ‌ترین بار عاملی، متعلق به نشانگر هم‌آمیختگی ( $\beta=0/897$ ) و کوچک‌ترین بار عاملی، متعلق به نشانگر آگاهی اجتماعی ( $\beta=0/560$ ) است و بدین ترتیب، بارهای عاملی همه نشانگرها بالاتر از  $0/32$  خواهد بود.

پس از اطمینان از برازش قابل قبول مدل اندازه‌گیری با داده‌های گردآوری‌شده و اطمینان از توان نشانگرها در اندازه‌گیری متغیرهای مکنون، چگونگی برازش مدل ساختاری با داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری آزمون شد. چنان‌که در جدول ۵ می‌بینیم، همه شاخص‌های برازندگی از برازش قابل قبول مدل ساختاری حمایت می‌کنند ( $\chi^2/df=2/69$ ،  $CFI=0/972$ ،  $GFI=0/943$ ،  $AGFI=0/886$  و  $RMSEA=0/070$ ). در جدول ۶، ضریب‌های مسیر بین متغیرها را در مدل ساختاری پژوهش مشاهده می‌کنیم:

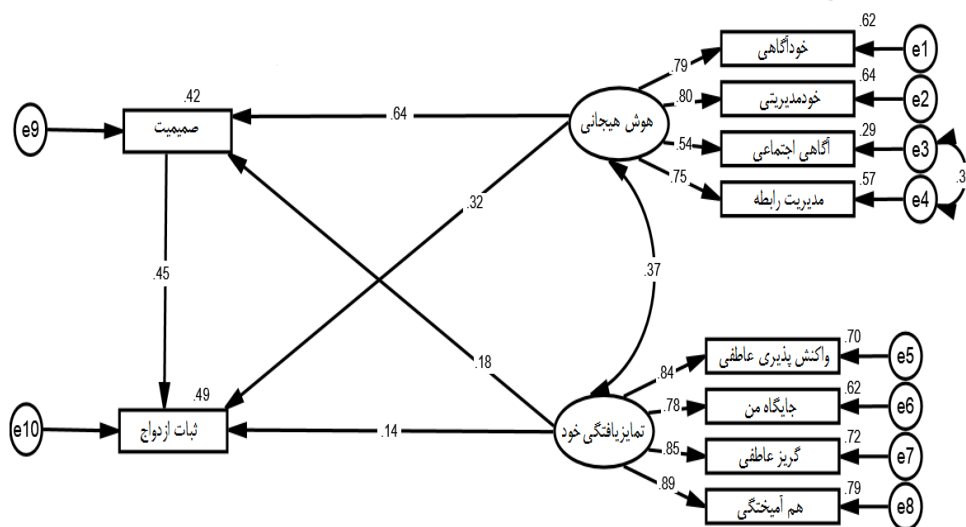
جدول ۶. ضریب‌های مسیر در مدل ساختاری

مسیر	متغیر پیش‌بین	b	S.E	$\beta$	sig
	تمایزیافتگی خود ← صمیمیت	۰/۷۱۲	۰/۲۹۷	۰/۱۸۱	۰/۰۳۳
	هوش هیجانی ← صمیمیت	۳/۷۰۶	۰/۴۶۶	۰/۶۳۹	۰/۰۰۱
مستقیم	تمایزیافتگی خود ← ثبات ازدواج	۰/۰۹۷	۰/۰۴۱	۰/۱۴۴	۰/۰۲۵
	هوش هیجانی ← ثبات ازدواج	۰/۳۱۹	۰/۰۸۳	۰/۳۲۲	۰/۰۰۱
	صمیمیت ← ثبات ازدواج	۰/۰۷۷	۰/۰۱۰	۰/۴۵۱	۰/۰۰۱
غیرمستقیم	تمایزیافتگی خود ← ثبات ازدواج	۰/۰۵۵	۰/۰۲۵	۰/۰۸۲	۰/۰۳۱
	هوش هیجانی ← ثبات ازدواج	۰/۲۸۶	۰/۰۴۸	۰/۲۸۸	۰/۰۰۱
کل	تمایزیافتگی خود ← ثبات ازدواج	۰/۱۵۲	۰/۰۴۹	۰/۲۲۶	۰/۰۱۳
	هوش هیجانی ← ثبات ازدواج	۰/۶۰۵	۰/۰۸۴	۰/۶۰۹	۰/۰۰۱

براساس نتایج این جدول، ضریب مسیر کل بین هوش هیجانی ( $\beta=0/609$ ،  $p<0/01$ ) از یک سو و تمایزیافتگی خود ( $\beta=0/226$ ،  $p<0/05$ ) از سوی دیگر با ثبات ازدواج، مثبت و به ترتیب در سطوح  $0/01$  و  $0/05$  معنادار است؛ همچنین ضریب مسیر بین صمیمیت و ثبات ازدواج ( $\beta=0/451$ ،  $p<0/01$ )، مثبت و در سطح  $0/01$  معنادار است. در نهایت، ضریب مسیر



غیرمستقیم بین هوش هیجانی و ثبات ازدواج ( $\beta=0/288, p<0/01$ ) و ضریب مسیر غیرمستقیم بین تمایز یافتگی خود و ثبات ازدواج ( $\beta=0/082, p<0/05$ )، مثبت و به ترتیب در سطوح ۰/۰۱ و ۰/۰۵ معنادار است و این یافته نشان می‌دهد صمیمیت، رابطه تمایز یافتگی خود و هوش هیجانی با ثبات ازدواج را به صورت معنادار میانجیگری می‌کند. در شکل زیر، مدل ساختاری پژوهش در تبیین روابط بین هوش هیجانی، تمایز یافتگی خود، صمیمیت و ثبات ازدواج را مشاهده می‌کنیم.



شکل ۲. مدل ساختاری پژوهش و ضریب‌های مسیر استاندارد آن

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به منظور طراحی مدل ساختاری برای پیش‌بینی ثبات ازدواج بر اساس هوش هیجانی و تمایز یافتگی خود با میانجیگری صمیمیت انجام شده است. هوش هیجانی در روابط زناشویی به دلیل افزایش روزافزون آمار خیانت و طلاق، در مطالعات خانواده و ازدواج اهمیت فراوان دارد و یافته‌ها نشان می‌دهد ضریب مسیر بین هوش هیجانی و ثبات ازدواج، مثبت و معنادار است؛ بر این اساس، تأثیر مثبت معنادار هوش هیجانی بر پایداری ازدواج، نشان‌دهنده تأییدی محکم بر مدعای گلمن به نقل از فیاض صابری، توزنده جانی، ثمری و نجات (۱۳۹۸) است که هوش هیجانی را رمز بقای ازدواج می‌داند. نتایج مطالعات اسکات

و دیگران (2001) و نیز بررسی گلמן (1996) بر این ارزش ویژه صحه گذاشته است؛ همچنین این یافته با یافته‌های پژوهش‌های رقیبی و قره‌چاهی (۱۳۹۲)، کورنیاوان و سیکور<sup>۱</sup> (2017)، فیاض صابری، توزنده جانی، ثمری و نجات (۱۳۹۸)، غفاری، قمری کیوی و رضایی شریف (۱۳۹۵)، و ایران‌دوست، سهرابی، ملیحی الذاکرینی و آهی (۱۳۹۷) همسویی دارد. در تبیین یافته موردبحث می‌توان گفت هوش هیجانی بر شناخت احساسات فردی و تصمیم‌گیری‌های مهم در زندگی، مستقیماً اثر می‌گذارد. زوجینی که دارای هوش هیجانی همسو با یکدیگرند و ویژگی‌های شخصیتی مشابه دارند، در ارتباط برقرارکردن با هم، توانمند هستند (Abbaspour Khoshdast, Jalali and Kakavand, 2016)، تعهد میان آنان وجود دارد (McCray, 2015)، روابطشان با یکدیگر دوستانه است، و هنگام بروز خشم و بحران‌های زندگی می‌توانند احساسات خود را مدیریت کنند و کنترل هیجانی داشته باشند. آنان از شیوه‌های مناسب برای حل‌کردن تعارض‌هایشان استفاده می‌کنند، رفتاری سنجیده و توأم با آرامش دارند و از ارتباط‌هایی مؤثرتر بر یکدیگر برخوردارند (Bloch, Haase and Levenson, 2014). این گروه از همسران، از یکدیگر حمایت عاطفی دریافت می‌کنند، از حضورداشتن درکنار هم و روابط جنسی‌شان لذت می‌برند و مدیریت اقتصادی زندگی خویش را دراختیار دارند؛ بنابراین، ازدواج پایدارتری خواهند داشت (مؤمنی، کاووسی امید و امانی، ۱۳۹۴).

دیگر یافته پژوهش حاضر که بیانگر ارتباط تمایز یافتگی با تعهد و ثبات زناشویی است، با نتایج پژوهش‌های مؤمنی، کاووسی امید و امانی (۱۳۹۴)، هیل، هستی و مور<sup>۲</sup> (2011)، غفاری، قمری کیوی و رضایی شریف (۱۳۹۵)، و مقیمی، مرادی، سیدالشهدایی و احمدیان (۱۳۹۹) همسویی دارد و چنانچه نبود تعارض در زندگی زناشویی را همبسته با ثبات ازدواج بدانیم، با یافته‌های پژوهش یوسفی و عزیزی (۱۳۹۷) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت تمایز یافتگی خود به‌عنوان یکی از مشخصه‌های فردی با تعهد و ثبات زناشویی ارتباط دارد. افراد دارای تمایز یافتگی بیشتر، مایل‌اند در روابطشان خودمختاری داشته باشند و بدون

---

1. Kurniawan and Syakur  
2. Hill, Hasty and Moore

غرق شدن در احساسات، از صمیمیت بیشتری برخوردار شوند. این ویژگی افراد تمایز یافته، موجب افزایش یافتن تعهد و ثبات زناشویی در زندگی آنان می‌شود. چنین زوج‌هایی انعطاف پذیرترند، از تفکر مستقل و مهارت مقابله بهتر با حوادث استرس‌زا برخوردارند و مشکلات زناشویی خود را بهتر حل می‌کنند. انتخاب فردی، مهم‌ترین عامل در ازدواج این زوج‌ها محسوب می‌شود و به همین دلیل، آنان در زندگی زناشویی خود، موفق‌ترند و از طیفی گسترده از صمیمیت احساسی در روابط خویش لذت می‌برند؛ بدون اینکه خود را در رابطه فدا کنند. ویژگی‌های افراد نامتمایز در زندگی زناشویی عبارت‌اند از: بی‌اعتمادی، شک، نداشتن ابتکار عمل، احساس حقارت، سردرگمی، ناامیدی و نارضایتی زناشویی. این مسائل در نهایت به تشکیل مثلث‌های متعدد در زندگی زناشویی می‌انجامد که نتیجه‌ای جز شکستن تعهدات و از بین رفتن ثبات رابطه ندارند.

دیگر یافته پژوهش که بیانگر اثر مستقیم صمیمیت زناشویی بر تعهد و پایداری زندگی مشترک است، با یافته‌های پژوهش‌های محمدی، حیدرنیا و عباسی (۱۳۹۵)، مؤمنی، کاووسی امید و امانی (۱۳۹۴)، و قزلسفلو و هاشمی (۱۳۹۷) همسویی دارد و با نتایج پژوهش هلر و وود<sup>۱</sup> (1998) مبنی بر ارزشمند بودن صمیمیت در ازدواج به سبب استحکام بخشیدن به تعهد زناشویی و ثبات ارتباط و نیز همراه بودن با سازگاری و رضایت زناشویی، هم‌راستا است. تریوه، کریمی، اکبری و مرادی (۱۳۹۹) در پژوهش خود نشان داده‌اند صمیمیت زناشویی با تعهد زناشویی ارتباط مستقیم دارد و این تعهد، ثبات رابطه را استحکام می‌بخشد؛ بنابراین، صمیمیت، دارای نقشی مهم در ثبات بخشیدن به رابطه است. عباسی اصل (۱۳۹۵) در پژوهش خود نشان داده است براساس میزان صمیمیت زناشویی، سبک‌های دلبستگی و رضایت جنسی می‌توان بی‌ثباتی ازدواج را پیش‌بینی کرد.

اکنون، از زاویه‌ای دیگر به موضوع نگاه می‌کنیم. براساس نظر اشترنبرگ<sup>۲</sup> (1986) به نقل از فرح‌بخش و شفیع‌آبادی، (۱۳۸۵)، عشق را می‌توان مشتعل بر سه بُعد دانست: میل (بُعد

---

1. Heller and Wood  
2. Sterenberg

هیجانی عشق)، صمیمیت (بعد رفتاری عشق) و تعهد (بعد شناختی عشق). حال، چنانچه تعهد را همبسته با ثبات ازدواج بدانیم، همان‌گونه که سیمانسکی<sup>۱</sup> (۱۹۹۶) نیز در مطالعه خود نشان داده است احترام و تعهد، عمده‌ترین علل ماندگاری زوجین در رابطه و ثبات زناشویی محسوب می‌شوند، نتیجه می‌گیریم یکی از ابعاد عشق (صمیمیت) می‌تواند بعد دیگر عشق (تعهد) را پیش‌بینی کند؛ چنان‌که در پژوهش‌های مقیمی، مرادی، سیدالشهدایی و احمدیان (۱۳۹۹)، مؤمنی، کاووسی امید و امانی (۱۳۹۴)، و موسوی (۱۳۹۷) نیز این مسئله نشان داده شده است؛ همچنین موسوی (۱۳۹۷) در پژوهش خود نتیجه گرفته است تعهد شخصی در رتبه اول و تعهد اخلاقی در رتبه دوم، مؤلفه‌هایی مهم و تعیین‌کننده در تداوم و ثبات رابطه زناشویی هستند.

صمیمیت، یک فرایند تعاملی و نیاز واقعی انسان است و در چهارچوب نیاز به بقا برای دلبستگی رشد می‌کند. از دیدگاه باگاروزی، صمیمیت زناشویی را می‌توان با نظریه دلبستگی درباره تعهد زناشویی مرتبط دانست (Skowron and Schmitt, 2003). برپایه نظریه دلبستگی، پیامدهای تعامل‌های اجتماعی براساس پاداش‌هایی که فرد دریافت می‌کند یا هزینه‌هایی که باید متحمل شود، می‌تواند رضایت‌بخش یا غیررضایت‌بخش باشد. پاداش‌ها تجارب مثبتی هستند که احساس لذت و شادمانی ایجاد می‌کنند که با سلامتی هیجانی و عاطفی، و احترام‌گزاردن به خود همراه‌اند. از طرف دیگر، هزینه‌ها تجارب منفی‌ای هستند که به بروز گرفتاری‌ها و ناراحتی‌های جسمانی و روانی می‌انجامند. طبق این نظریه، روابط زناشویی، زمانی تداوم می‌یابند که تجارب یکی از زوجین، ملاک‌های قابل قبول برای هر دو زوج را دارا باشد. اولین معیار برای ارزیابی تجارب فعلی، سطح مقایسه جذابیت و رضایتمندی است و در این ارزیابی، پاداش‌ها و هزینه‌ها همراه با هم مقایسه می‌شوند. اگر پاداش‌های به‌دست‌آمده بیشتر از هزینه‌های از دست‌رفته باشند، رابطه رضایت‌بخش خواهد بود و برای زوجین جذابیت خواهد داشت؛ در نتیجه، تعهد شخصی تقویت خواهد شد و زوجین برای حفظ رابطه تلاش خواهند کرد. از سوی دیگر، چنانچه هزینه‌ها و مشکلات

---

1. Simanski

بیشتر از پاداش‌ها باشد، رابطه چندان رضایت‌بخش نخواهد بود و برای زوجین، جدایی نخواستند داشت (Tang and Curran, 2012).

یافته‌ها در مدل ساختاری نشان می‌دهند ضریب مسیر غیرمستقیم بین هوش هیجانی و ثبات ازدواج، مثبت و معنادار است و بنابراین، صمیمیت، رابطه هوش هیجانی با ثبات ازدواج را به صورتی معنادار میانجی‌گری می‌کند. تریوه، کریمی، اکبری و مرادی (۱۳۹۹) در پژوهش خود با اشاره به نقش میانجی صمیمیت پیشنهاد کرده‌اند برای بهبود روابط زوج‌ها و انسجام خانواده، در مشاوره‌های پیش و پس از ازدواج بر ایجاد تعامل‌های آگاهانه، متعهدانه و صمیمانه بین زوجین تمرکز شود.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، صمیمیت، رابطه تمایز یافتگی خود و ثبات ازدواج را میانجی‌گری می‌کند و ضریب مسیر غیرمستقیم بین تمایز یافتگی خود و ثبات ازدواج، مثبت و معنادار است. در پژوهش مقیمی، مرادی، سیدالشهدایی و احمدیان (۱۳۹۹)، به نقش میانجی صمیمیت در تمایز یافتگی خود و تعهد زناشویی پرداخته شده است و یافته‌ها بر ارزش این مدل مفهومی را نشان می‌دهد که با نتایج پژوهش حاضر همسویی دارد.

یافته‌های این پژوهش، نشان‌دهنده آن است که صمیمیت، رابطه تمایز یافتگی خود و هوش هیجانی با ثبات ازدواج را به صورتی معنادار میانجی‌گری می‌کند و تمایز یافتگی با واسطه صمیمیت زناشویی بر ثبات ازدواج اثر دارد. در تبیین نتایج این یافته می‌توان گفت در حوزه تمایز یافتگی، بنیان‌های صمیمیت و پذیرش دوسویه در ازدواج بررسی می‌شود. در نظام‌های زناشویی تمایز یافته، همسران نقشی نرمش‌پذیرتر و رابطه‌ای صمیمانه‌تر دارند، اختلاف اعتقادی با یکدیگر را می‌پذیرند و واکنش هیجانی کمتری را تحمل می‌کنند. افراد دارای تمایز یافتگی ضعیف، در تعارض‌های زناشویی در ارتباط با همسر، اضطراب را جذب می‌کنند و واکنش‌های هیجانی یا جدایی هیجانی نشان می‌دهند؛ بنابراین، افراد تمایز یافته در مقایسه با افراد دارای تمایز یافتگی ضعیف، از صمیمیت بیشتری در زندگی مشترک برخوردارند و زندگی موفق‌تر و مشکلات زناشویی کمتری دارند؛ در نتیجه، سطح تعهد شخصی آن‌ها نیز بالاتر است و پیوندشان ثبات بیشتری دارد.

در این پژوهش، مجموع مجذور همبستگی‌های چندگانه برای متغیر ثبات ازدواج به میزان ۰/۴۹ به دست آمده است و به دیگر سخن، تمایزیافتگی خود، هوش هیجانی و صمیمیت در مجموع، ۴۹ درصد از واریانس ثبات ازدواج را تبیین می‌کنند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد هوش هیجانی، تمایزیافتگی و صمیمیت بر تعهد و ثبات زناشویی اثر می‌گذارد و در نتیجه، به سبب وجود داشتن تعهد زناشویی، زوجین به‌رغم تجربه کردن رویدادهای دردناک، همچنان در کنار یکدیگر می‌مانند و با مقید بودن به اعمال و چهارچوب‌هایی خاص، یک هدف عالی را در زندگی زناشویی در نظر دارند.

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان برخی متغیرهای مداخله‌گر مانند وضعیت اجتماعی- اقتصادی و نوع فرهنگ را که خارج از کنترل پژوهشگر هستند و نیز استفاده از نمونه‌گیری در دسترس را ذکر کرد.

نتایج این پژوهش به زوجین و خانواده‌ها کمک می‌کند تا به نقش هیجان‌های خود و طرف مقابل در چگونگی رفتار و مدیریت کردن رابطه و همچنین راه‌های مقابله با تعارض‌های خانوادگی از منظر به‌هم‌آمیختگی، یعنی درهم‌تنیدگی یا استقلال ظاهری و گسستگی توجه کنند، مشکلات حل نشده با خانواده اصلی را به رابطه با خانواده کنونی نکشانند و در نهایت، زندگی‌ای کم‌تنش و توأم با رضایت و ثبات داشته باشند. یافته‌های این پژوهش در قالب کارگاه‌ها و بسته‌های آموزشی، قابل عرضه شدن به متخصصان و مشاوران خانواده است.

#### **موازین اخلاقی**

در این پژوهش، ملاحظات اخلاقی با جلب رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان رعایت شده است؛ همچنین به افراد درباره محرمانه بودن نتایج اطمینان داده شد. این پژوهش دارای کد کمیته اخلاق با شناسه (IR.IAU.TNB.REC.1400.043) است.

#### **تقدیر و تشکر**

از همه کسانی که نگارندگان را در انجام دادن این تحقیق یاری دادند و به‌ویژه مراکز مشاوره دانشگاهی منطقه‌های دو و پنج شهر تهران بزرگ به سبب همکاری در اجرای پژوهش،

## رابطه ساختاری هوش هیجانی و تمایز یافتگی خود... / امیرحسین شاه‌نوش فروشانی و دیگران ۱۲۹

صمیمانه تشکر می‌کنیم. شایان ذکر است که برای انجام‌دادن این پژوهش از هیچ مؤسسه، نهاد یا ارگانی کمک مالی دریافت نکرده است.

### منابع

- اعتمادی، عذرا؛ نوابی‌نژاد، شکوه؛ احمدی، احمد؛ و فرزاد، ولی‌الله (۱۳۸۵). بررسی اثربخشی زوج‌درمانی شناختی- رفتاری بر صمیمیت زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در شهر اصفهان. *مطالعات روان‌شناختی*، ۲(۲۱)، ۶۹-۸۷.
- ایران‌دوست، راضیه؛ سهرابی، فرامرز؛ ملیحی‌الذاکرینی، سعید؛ و آهی، قاسم (۱۳۹۷). مدل علی روابط بین ناگویی هیجانی با عملکرد جنسی زنان با میانجیگری درماندگی روان‌شناختی و صمیمیت زناشویی. *خانواده‌پژوهی*، ۱۴(۵۶)، ۵۱۵-۵۳۱.
- بای، صادق؛ جهانگیر، پانته‌آ؛ و بوستان، افسانه (۱۳۹۸). طراحی مدل ساختاری برای پیش‌بینی فرسودگی شغلی براساس تعهد سازمانی و باورهای خودکارآمد پنداری با میانجیگری ویژگی‌های شخصیتی معلمان. *علوم روان‌شناختی*، ۱۸(۷۸)، ۷۰۵-۷۱۸.
- بختیاری، انسیه؛ حسینی، سعیده؛ عارفی، مختار؛ و افشاری‌نیا، کریم (۱۴۰۰). نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و نگرش به خیانت زناشویی. *پژوهش‌های مشاوره (تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره)*، ۲۰(۷۷)، ۱۲۲-۱۴۰.
- بلیاد، محمدرضا؛ ناهیدپور، فرزانه؛ و آزادی، شهدخت (۱۳۹۶). بررسی نقش واسطه‌ای تمایز یافتگی در ارتباط میان افسردگی و رضایت زناشویی زنان. *فصلنامه علمی- پژوهشی روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۸(۲۷)، ۱۰۹-۱۲۶.
- پیرساقی، فهیمه؛ نظری، علی‌محمد؛ حاجی‌حسینی، مهرداد؛ و نادعلی‌پور، حسن (۱۳۹۳). اثربخشی درمان خودتمایزسازی بر میزان ابراز وجود دانشجویان دختر دانشگاه علامه طباطبایی تهران. *مطالعات روان‌شناسی بالینی*، ۴(۱۶)، ۱۹-۳۴.
- تریوه، بهزاد؛ کریمی، کیومرث؛ اکبری، مریم؛ و مرادی، امید (۱۳۹۹). الگوی ساختاری تعهد زناشویی براساس باورهای ارتباطی زناشویی، درگیری عاطفی و انتقاد در خانواده: نقش میانجیگر صمیمیت زناشویی. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۱۴(۵۳/۱)، ۱۳۹-۱۵۸.
- تیرگری، عبدالحکیم؛ اصغرنژاد فرید، علی‌اصغر؛ بیان‌زاده، سید اکبر؛ و عابدین، علی‌رضا (۱۳۸۵). مقایسه سطوح هوش هیجانی و رضامندی زناشویی و رابطه ساختاری آن‌ها در زوجین ناسازگار

و سازگار شهرستان ساری در سال ۱۳۸۳. مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ۱۶(۵۵)، ۷۸-۸۶

ثنایی، باقر؛ علاقه‌بند، ستیلا؛ فلاختی، شهره؛ و هومن، عباس (۱۳۹۶). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: بعثت.

جعفری، اصغر (۱۳۸۷). مقایسه اثربخشی رویکردهای ارتباطی ستیر و تجربی ویته کر در کاهش احتمال وقوع طلاق در زوجین متعارض. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

جعفری، اصغر؛ ثنایی، ذاکر، باقر؛ پاشاشریفی، حسن؛ و کرمی، ابوالفضل (۱۳۸۹). مقایسه اثربخشی رویکردهای ارتباطی ستیر و تجربی ویته کر در کاهش احتمال وقوع طلاق در زوج‌های متعارض در آستانه طلاق. پژوهش‌های مشاوره، ۳۴، ۲۵-۴۸.

چرستانی، نفیسه (۱۴۰۰). شناسایی ابعاد گفت‌وگوی پایدار مؤثر زوجین در خانواده‌های ایرانی. نخبگان علوم و مهندسی، ۶(۴)، ۱۶-۲۲.

حبیبی، آرش؛ و عدنور، مریم (۱۳۹۶). مدل‌یابی معادلات ساختاری. تهران: جهاد دانشگاهی. خمسه، اکرم؛ و حسینیان، سیمین (۱۳۸۷). بررسی تفاوت‌های جنسیتی بین ابعاد مختلف صمیمیت در دانشجویان متأهل. مطالعات اجتماعی- روان‌شناختی زنان (مطالعات زنان)، ۱۶(۱)، ۳۵-۵۲.

دغاغله، فاطمه؛ عسگری، پرویز؛ و حیدری، علیرضا (۱۳۹۱). رابطه بخشودگی، عشق و صمیمیت با رضایت زناشویی. یافته‌های نو در روان‌شناسی (روان‌شناسی اجتماعی)، ۷(۲۴)، ۵۷-۶۹.

رقیبی، مهوش؛ و قره‌چاهی، مریم (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و هوش معنوی در زنان و مردان در شرف طلاق و سازگار. فصلنامه علمی- پژوهشی زن و جامعه، ۴(۱۳)، ۱۲۳-۱۴۰.

ریحانی، رضا؛ سلیمانیان، علی‌اکبر؛ و نظیفی، مرتضی (۱۳۹۵). پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج براساس مهارت‌های تنظیم هیجانی و سبک‌های هویتی. پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره (مطالعات تربیتی و روان‌شناسی)، ۶(۱)، ۶۰-۷۶.

سالمی، یاسمین؛ ابویی، آزاده؛ و سعیدمنش، محسن (۱۴۰۰). پیش‌بینی رضایت جنسی زنان متأهل بر مبنای تعهد زناشویی، صمیمیت زناشویی و سبک دلبستگی در دوران کرونا. خانواده‌درمانی

کاربردی، ۲(۵)، ۹۴-۱۱۵.



رابطه ساختاری هوش هیجانی و تمایز یافتگی خود... / امیرحسین شاهنوش فروشانی و دیگران ۱۳۱

شهرستانی، ملیحه؛ دوستکان، محسن؛ رهباردار، حمید؛ و مشهدی، علی (۱۳۹۱). پیش‌بینی رضایتمندی زناشویی از روی متغیرهای باورهای ارتباطی و صمیمیت زناشویی در زنان متقاضی طلاق و عادی شهر مشهد. زن و فرهنگ، ۴(۱۴)، ۱۹-۴۱.

صادقی، منصوره السادات؛ پناغی، لیلا؛ موتابی، فرشته؛ و حقیان، الناز (۱۳۹۶). الگوی پیش‌بینی‌کننده شادکامی زناشویی در افراد متأهل. فصلنامه خانوادہ‌پژوهی، ۱۳(۵۰)، ۱۷۹-۱۹۶.

صدقی، مریم؛ غفاری، عذرا؛ و کاظمی، رضا (۱۴۰۰). مقایسه اثربخشی روش‌های زوج‌درمانی تئوری انتخاب و پذیرش و تعهد (ACT) در تعاملات زناشویی زوج‌ها. فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی، ۱۶(۶۱)، ۳۹-۵۱.

ضیاء خدادادیان، محبوبه؛ سیرتی نیر، مسعود؛ خمسه، فریال؛ و عبادی، عباس (۱۳۹۱). مقایسه تأثیر آموزش دو روش حل تعارض و مدیریت هوش هیجانی بر رضایت از زندگی همسران جانبازان اعصاب و روان. طب جانبازان، ۴(۱۵)، ۵۲-۶۱.

عباسی اصل، مجتبی (۱۳۹۵). رابطه رضایت جنسی، صمیمیت زناشویی و سبک‌های دلبستگی با بی‌ثباتی ازدواج زنان متأهل. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

عزیزی، لیلا سادات؛ مکوندی، بهنام؛ رامک، ناهید؛ سنگانی، علی‌رضا؛ و ابراهیمی، صدیقه (۱۳۹۸). نقش واسطه‌ای ویژگی‌های شخصیتی وابسته به جنس در رابطه بین سبک‌های هویت و دلبستگی با تمایز یافتگی خود در دانشجویان پرستاری. مجله پژوهش پرستاری ایران، ۴(۱۴)، ۱۳-۲۰.

غفاری، الگار؛ قمری کیوی، حسین؛ و رضایی شریف، علی (۱۳۹۵). رابطه بین تمایز یافتگی و هوش هیجانی با تحریف‌های شناختی و کیفیت زندگی زوجین. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

غنی‌پور اجرآباد، طاهره (۱۴۰۱). پیش‌بینی صمیمیت زوجین براساس تمایز یافتگی خود با نقش میانجی تعهد زناشویی. ایده‌های نوین روان‌شناسی، ۱۲(۱۶)، ۱-۱۱.

فرح‌بخش، کیومرث؛ و شفیع‌آبادی، عبدالله (۱۳۸۵). ابعاد عشق‌ورزی براساس نظریه سه‌بعدی عشق در چهار گروه زوج‌های در مرحله نامزدی، عقد، ازدواج و دارای فرزند. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۸(۳۰)، ۱-۲۰.

- فیاض صابری، محمدحسن؛ توزنده جانی، حسن؛ ثمری، علی اکبر؛ و نجات، حمید (۱۳۹۸). پیش‌بینی پایداری ازدواج براساس سازگاری زناشویی و خودابرازی جنسی با میانجیگری هوش هیجانی. *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، ۹(۲)، ۵۶-۷۰.
- قرلسفلو، مهدی؛ و هاشمی، سجاد (۱۳۹۷). پیش‌بین‌های بی‌ثباتی ازدواج: صمیمیت زوج‌ها و راهبردهای حفظ رابطه. *دوفصلنامه مشاوره کاربردی*، ۸(۱)، ۱۸-۱.
- گنجی، حمزه؛ میرهاشمی، مالک؛ و ثابت، مهرداد (۱۳۸۵). هنجاریابی مقدماتی آزمون هوش هیجانی برادبری- گریوز. *فصلنامه اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی*، ۱۱(۲)، ۲۳.
- محسنیان، محمد؛ کرملو، سمیرا؛ و گنجوی، آناهیتا (۱۳۸۶). رابطه میان تمایزیافتگی خود و هوش هیجانی در متقاضیان طلاق. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۳(۱۲)، ۸۲۷-۸۳۷.
- محمدی، بهناز؛ حیدرنیا، احمد؛ و عباسی، هادی (۱۳۹۵). پیش‌بینی تعهد زناشویی براساس صمیمیت زناشویی و بخشودگی. *رویش روان‌شناسی*، ۵(۳)، ۳۱-۵۰.
- محمودپور، عبدالباسط؛ دهقان‌پور، ثنا؛ یوسفی، ناصر؛ و ایجادی، سحر (۱۳۹۹). پیش‌بینی صمیمیت زناشویی زنان براساس ذهن‌آگاهی، الگوهای حل تعارض، حمایت اجتماعی ادراک‌شده و بهزیستی اجتماعی. *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ۱۰(۳۹)، ۸۳-۱۰۲.
- مرادی، نزهت‌الزمان؛ علی‌مرادی، خدیجه؛ و رجبی، سوران (۱۳۹۶). رابطه ساختاری بهزیستی معنوی و رضایت زناشویی با نقش واسطه‌ای هوش هیجانی و تمایزیافتگی خود. *فصلنامه علمی-پژوهشی روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۸(۲۸/۲)، ۱۹-۴۸.
- مقیم، سنبل؛ مرادی، امید؛ سیدالشهدایی، اسرین؛ و احمدیان، حمزه (۱۳۹۹). تدوین مدل ساختاری تعهد زناشویی براساس بخشایشگری و خودتمایزیافتگی با میانجیگری صمیمیت زناشویی. *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۱۰(۳۹/۱)، ص ۶۹-۹۰.
- منصوری، زهره؛ باقری، فریبرز؛ درتاج، فریبرز؛ و ابوالمعالی، خدیجه (۱۳۹۹). ارائه الگوی ساختاری پیش‌بینی صمیمیت زناشویی براساس سبک‌های دلبستگی با میانجیگری مؤلفه تعهد عشق‌ورزی در دانشجویان متأهل. *مجله علوم روان‌شناختی*، ۱۹(۸۵)، ۸۱-۹۰.
- موسوی، سیده فاطمه (۱۳۹۷). نقش تعهد شخصی، اخلاقی و ساختاری به ازدواج در پیش‌بینی توافق، رضایت و انسجام زناشویی. *رویش روان‌شناسی*، ۷(۱)، ۹۳-۱۱۰.

### رابطه ساختاری هوش هیجانی و تمایز یافتگی خود.../امیرحسین شاهنوش فروشانی و دیگران ۱۳۳

مؤمنی، خدامراد؛ کاوسی امید، سکینه؛ و امانی، رزیتا (۱۳۹۴). پیش‌بینی تعهد زناشویی براساس تمایز یافتگی خود، همبستگی و انطباق‌پذیری خانواده، و صمیمیت زناشویی. *آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده*، ۱(۲)، ۴۶-۵۸.

نعیم، سامیه (۱۳۸۷). *رابطه دل‌زدگی زناشویی، روابط صمیمی با همسر و تعارضات زناشویی با خشونت علیه زنان شهر ایلام*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز، خوزستان، ایران.

نیکنام، ماندانا؛ و تاج، طه (۱۳۹۸). پیش‌بینی ناپایداری ازدواج براساس متغیرهای هوش هیجانی و هوش معنوی در یک جمعیت غیربالینی از زنان. *مطالعات زن و خانواده*، ۷(۱)، ۲۹-۹.

هومن، حیدرعلی (۱۳۸۴). *مدل‌یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار لیزرل*. تهران: سمت. هویت، دنیس؛ و کرامر، دانکن (۱۳۸۹). *مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و مشاوره* (حسن پاشاشریفی و دیگران، مترجمان). تهران: سخن.

یوسفی، ناصر (۱۳۹۰). بررسی شاخص‌های روان‌سنجی مقیاس خانوادگی تفکیک خویشتن (DSI-) (۲). *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۱(۱)، ۱۹-۳۸.

یوسفی، ناصر؛ اعتمادی، عذرا؛ بهرامی، فاطمه؛ بشلیده، کیومرث؛ و شیربگی، ناصر (۱۳۸۹). بررسی روابط ساختاری آسیب‌شناسی خودتمایزی در خانواده‌درمانی بوونی با بهزیستی ذهنی، سلامت روانی و بهداشت کیفیت زناشویی «برازش نظریه بوون». *مجله دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد*، ۱۲(۳)، ۷۶-۶۸.

یوسفی، ناصر؛ و عزیزی، آرمان (۱۳۹۷). تبیین مدلی برای پیش‌بینی تعارض زناشویی براساس تمایز یافتگی و تیپ‌های شخص. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۹(۳۵)، ۵۷-۷۸.

Abbaspour Khoshdast, F.; Jalali, M. R.; and Kakavand, A. R. (2016). Relationship between the Personality Traits, Defense Mechanisms and Marital Satisfaction of Elementary School Students' Parents. *IIOAB Journal*, 7(10), 31-37.

Bloch, L.; Haase, C. M.; and Levenson, R. W. (2014). Emotion Regulation Predicts Marital Satisfaction: More than a Wives' Tale. *Emotion*, 14(1), 130-144.

Booth, A.; Johnson, D.; and Edwards, J. N. (1983). Measuring Marital Instability. *Journal of Marriage and the Family*, 45(2), 387-394.

Bradberry, T.; and Greaves, J. (2005). *Emotional intelligence quick book*. Translated by: M. Ganji. Tehran: Savalan Publication. Denham SA, Blair KA, DeMulder E, Levitas J, Sawyer K, Auerbach-Major S.;1; 2003. Preschool emotional competence: pathway to social competence. *Child Dev*, 74, 238-56.

- Brown, S., L.; Sanchez; Nock, S. I.; and Wright, J. D. (2006). Links between Premarital Cohabitation and Subsequent Marital Quality. Stability and Divorce: A Comparison of Covenant Versus Standard Marriage. *Journal of Social Science Research*, 35, 457.
- Carmona-Halty, M.; Salanova, M.; Lorens, S.; and Schaufeli, W. B. (2019). How Psychological Capital Mediates between Study-Related Positive Emotions and Academic Performance. *Journal of Happiness Studies*, Springer, 20(2), 605-617.
- Clark, M. S.; Fitness, J.; and Brissette, I. (2001). Understanding People's Perceptions of Relationships Is Crucial to Understanding Their Emotional Lives. In: G. Fletcher and M. Clark (Eds.). *Blackwell Handbook of Social Psychology: Interpersonal Processes*, 253-278, Blackwell.
- Goleman, D. (1996). Emotional Intelligence: Why It Can Matter More than IQ?. *Learning*, 24(6), 49-50.
- Gonczarowski, Y. A.; Nisan, N.; Ostrovsky, R.; and Rosenbaum, W. (2019). A Stable Marriage Requires Communication. *Games and Economic Behavior*, 118, 626-647.
- Graff, H. J.; Siersma, V.; Møller, A.; Egerod, I.; and Rytter, H. M. (2020). Five-Year Trends in Marital Stability, Academic Achievement, and Socioeconomic Indicators after Concussion: A National Register Study. *The Journal of Head Trauma Rehabilitation*, 35(2), E86-E94.
- Guerra-Bustamante, J.; León-del-Barco, B.; Yuste-Tosina, R.; López-Ramos, V. M.; and Mendo-Lázaro, S. (2019). Emotional Intelligence and Psychological Well-Being in Adolescents. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 16(10), 1720.
- Hajhihasani, M.; and Sim, T. (2019). Marital Satisfaction among Girls with Early Marriage in Iran: Emotional Intelligence and Religious Orientation. *International Journal of Adolescence and Youth*, 24(3), 297-306.
- Hassebrauck, M.; and Fehr, B. (2002). Dimensions of Relationship Quality. *Personal Relationships*, 9(3), 253-270.
- Heidari, M.; Shahbazi, S.; Ghafourifard, M.; and Ali Sheikhi, R. (2017). Prediction of Marital Satisfaction based on Emotional Intelligence in Postmenopausal Women. *Journal of Menopausal Medicine*, 23(3), 196-201.
- Heller, P. E.; and Wood, B. J. (1998). The Process of Intimacy: Similarity, Understanding and Gender. *Journal of Marital and Family Therapy*, 243, 273-288.
- Hill, E.; Hasty, C.; and Moore, C. (2011). Differentiation of Self and the Process of Forgiveness: A Clinical Perspective for Couple and Family Therapy. *Australian and New Zealand Journal of Family Therapy*, 32(1), 43-57.
- Howitt, D.; and Cramer, D. (2017). *Research Methods in Psychology*. Harlow: Pearson.
- Kalsoon, S.; and Kamal, A. (2018). Emotional Intelligence and Multitasking Ability Predictors of Marital Adjustment of Working Married Individuals. *FWU Journal of Social Sciences*, 12(2), 60-73.

- Kamomoe, P. K.; Ngari, S. M.; Gichure, P.; Ndung'u, E. M.; and Esiu, E. M. (2021). The Effect of Emotional Intelligence on Marital Quality in Kenya: A Case of the Catholic Archdiocese of Nairobi, Kenya. *International Academic Journal of Social Sciences and Education*, 2(2), 394-411.
- Kato, T. (2016). Effects of Partner Forgiveness on Romantic Break-Ups in Dating Relationships: A Longitudinal Study. *Personality and Individual Differences*, 95, 185-189.
- Khoshdast, F. A.; Jalali, M. R.; and Kakavand, A. R. (2016). Relationship between the Personality Traits, Defense Mechanisms and Marital Satisfaction of Elementary School Students' Parents. *IIOAB Journal*, 7(10), 31-37.
- Kline, R. B. (2023). *Principles and Practice of Structural Equation Modeling*. Guilford Publications.
- Kurniawan, A.; and Syakur, A. (2017). The Correlation of Emotional Intelligence and Spiritual of Intelligence to Effectiveness Principals of Leadership. *International Journal of Psychological and Brain Sciences*, 2(1), 1-9.
- Lavner, J. A.; Karney, B. R.; and Bradbury, T. N. (2016). Does Couples' Communication Predict Marital Satisfaction, or does Marital Satisfaction Predict Communication?. *Journal of Marriage and Family*, 78(3), 680-694.
- Maser, M. J. (2011). *A Construct Validity Study of Differentiation of Self Measures and Their Correlates*. Seton Hall University.
- McCray, M. L. (2015). *Infidelity, Trust, Commitment, and Marital Satisfaction among Military Wives during Husbands' Deployment*. Doctoral Dissertation. Walden University. Minneapolis, Minnesota.
- Mohammadimehr, Z.; and Ayatollah, K. B. (2017). The Relationship between Emotional Intelligence, Attachment Styles and Optimism with Marital Satisfaction. *Interdisciplinary Journal of Education*, 1(2), 50-58.
- Nurhayati, S. R.; Faturachman; and Fadilla-Helmi, A. (2019). Marital Quality: A Conceptual Review. *Buletin Psikologi*, 27(2), 109-124.
- Omoniyi-Oyafunke, C.; Falola, H. O.; and Salau, O. P. (2014). Effect of Marital Instability on Children in Abeokuta Metropolis. *European Journal of Business and Innovation Research*, 2(3), 68-77.
- SadeghiFard, M.; Samavi, S. A.; and Mohebbi, S. (2015). The Relationship between Problem-Solving Skills and Conflict Resolution Styles with Marital Intimacy and Compatibility among Couples. *Academic Journal of Psychological Studies*, 5(1), 67-76.
- Schutte, N. S. et al. (2001). Emotional Intelligence and Interpersonal Relations. *The Journal of Social Psychology*, 141(4), 523-536.
- Serrat, O. (2017). Understanding and Developing Emotional Intelligence. *Knowledge Solutions*, Springer, Singapore, 329-339.
- Simanski, J. W. (1996). *Long-Term Marriage Conflict and Longevity Strategies over the Life Span: A Qualitative Study*. Retrospective Theses and Dissertations. Paper 11489.
- Skowron, E. A.; and Dendy, A. K. (2004). Differentiation of Self and Attachment in Adulthood. *Journal of Contemporary Family Therapy*, 26(3), 337-357.

- Skowron, E. A.; and Friedlander, M. (1998). The Differentiation of Self Inventory: Development and Initial Validation. *Journal of Counseling Psychology*, 28, 235-246.
- Skowron, E. A.; and Schmitt, T. A. (2003). Assessing Interpersonal Fusion: Reliability and Validity of a New DSI Fusion with Others Subscale. *Journal of Marital and Family Therapy*, 29(2), 209-222.
- Skowron, E. A.; Stanley, K.; and Shapiro, M. (2009). A Longitudinal Perspective on Differentiation of Self, Interpersonal, and Psychological Well-Being in Youngadulthood. *Contemporary Family Therapy*, 22, 234-244.
- Smith, L.; Ciarrochi, J.; and Heaven, P. C. (2008). The Stability and Change of Trait Emotional Intelligence, Conflict Communication Patterns, and Relationship Satisfaction: A One-Year Longitudinal Study. *Personality and Individual Differences*, 45(8), 738-743.
- Tang, Chiung-Ya; and Curran, M. A. (2012). Marital Commitment and Perceptions of Fairness in Household Chores. *Journal of Family Issues*, 34(12).
- Van den Broek, B.; Bus, B.; and Rijnen, S. (2021). Comment on Laratta et al. Marital Stability and Quality of Couple Relationships after Acquired Brain Injury: A Two-Year Follow-Up Clinical Study. *Healthcare* 2021, 9, 283. *Healthcare*, 9(8), 1024. Multidisciplinary Digital Publishing Institute.
- Walker, A. J.; and Thompson, L. (1983). Intimacy and intergenerational aid and contact among mothers and daughters. *Journal of Marriage and the Family*, 841-849.
- Wollny, A.; Jacobs, I.; and Pabel, L. (2020). Trait Emotional Intelligence and Relationship Satisfaction: The Mediating Role of Dyadic Coping. *The Journal of Psychology*, 154(1), 75-93.